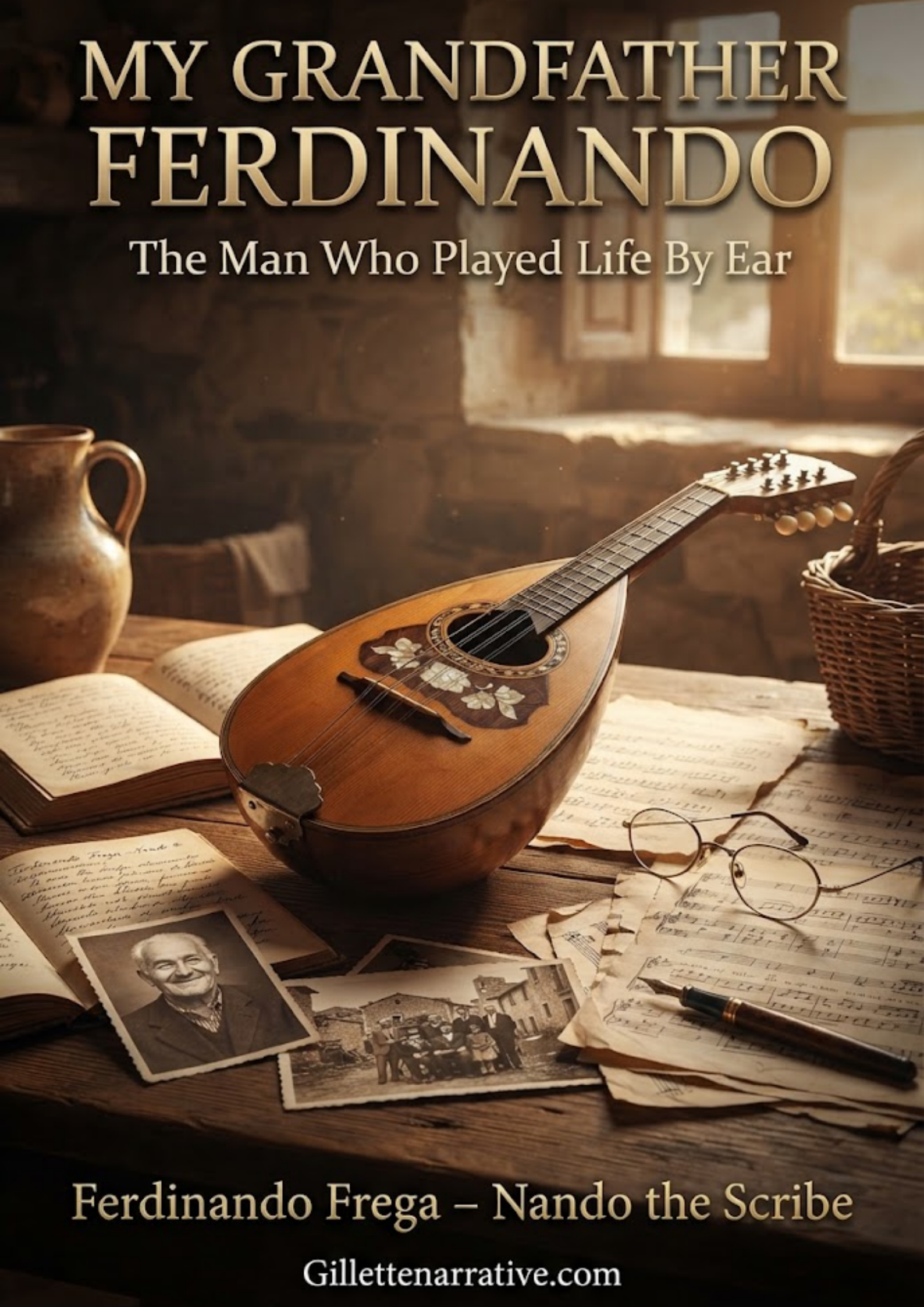
MY GRANDFATHER FERDINANDO

The Man Who Played Life By Ear



Ferdinando Frega – Nando the Scribe

Gillettenarrative.com

GILLETTE: پدربزرگم FERDINANDO

از صبح پشت میزم نشسته بودم — راهی برای انجام دادن آنچه می‌خواستم، نه آنچه باید. راهی برای شاد ماندن درون جهانی که زمان‌بندی ماندگاری‌اش هنوز تعیین نشده بود.

میان خواندن یک کتاب، مقاله‌ای در وب، تلفنی از یک دوست، زنگ زدن پستچی و همسرم که مرا به سوی ماشین فرا می‌خواند تا کیسه‌های خرید را به خانه بیاورم — مراکز تماس بسیاری هستند که مشتاق‌اند به من زنگ بزنند. و من غافلگیرشان می‌کنم، چون درخواستشان را به سمت انگیزه می‌برم. وقتی به آن‌ها می‌گویم فقیرم، دلشان برایم می‌سوزد. زن‌ها دوست دارند کاری برایم بکنند — اما نمی‌دانند که من طوری تربیت شده‌ام که بگیرم بی‌آنکه بفروشم. درسی دانشگاهی از مردی که فقط دیپلم دارد.

و در میان همهٔ این‌ها موسیقی هست — موسیقی نیویورک، منهتن، انگلیسی‌زبان — سپس رفتن به سوی موسیقی سال‌های من، و پایان با کلاسیک‌ها: موتسارت، شوپن، ویوالدی و بتهوون. سپس یافتن آرامش با ساخته‌های استاد انیو موریکونه.

درون یکی از همین قطعه‌ها بود که امروز با ماندولین روبه‌رو شدم — ساز محبوب پدربزرگم. در شش‌سالگی یکی هدیه گرفت و بیش از نود سال آن را با گوش نواخت و آموخت، بی‌آنکه موسیقی بخواند یا از Amazon دوره بخرد. تنها شور او آوازهای عاشقانهٔ زیر پنجره بود که برای زنان اجرا می‌کرد — از جمله آن‌هایی که سفارشی بودند.

زندگی‌ای، زندگی خانوادهٔ Frega، که مادهٔ خامش هرگز پول نبوده است — تنها لذت انجام دادن کاری که برایش زاده شده‌ایم: فراموش نشدن.

Nando